

بِسْمِ اللَّهِ الْعَزِيزِ

ازدواج اسلام و فطرت

از گفتار سابق دانسته شد که بعقیده فقهاء و دانشمندان دین، اصول و ارکان اسلام پنج امر است، بلکه از عبارت شهید اول در کتاب «قواعد» پیدا بود که هیچ پیغمبری جز برای تحکیم این امور مبعوث نشده است و آن حفظ و تعدیل **ایمان و عقل و جان و نسب و مال** افراد بشر است.

این گفتار منافات ندارد با آنچه ما **امامیه** میگوئیم: «اصول دین عبارتست از: توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت» زیرا ما در این مقام اصول اعتقادی اسلام را بیان میکنیم و نیز منافات ندارد با روایتی که در اول کتاب «تفصیل وسائل الشیعة» نقل شده است که: «اسلام روی پنج پایه: نماز و زکاة و حج و روزه و ولایت نهاده شده است»^۱ زیرا در این روایت اصول عبادات اسلامی و مرکز اخذ آنها بیان شده است، ولی در این مقال اصول اعتقادی و عملی دین را بیان میکنیم، یعنی رؤوس مطالب دینی و اموری که همه پیغمبران الهی روی آن تکیه کرده و نقطه حساس و مرکز ثقل دعوت خود قرار داده اند و خلاصه اختلاف در ارکان و اصول دین از نظر اختلاف حیثیات و اعتبارات است.

در هر حال، در مقال سابق سه امر اول: (رعایت ایمان و عقل و جان) با ایجاز و اختصار بیان شد، اکنون نوبت دوم موضوع دیگر (نسب و مال) است.

۱- بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاة والزکاة والحج والصوم والولاية. وسائل الشیعة ج ۱ ص ۷.

خوشبختانه در این عصر اهمیت این دو امر بخوبی روشن گشته ، و بلکه از نظر اسلام، اجتماع این عصر، بسی بیش از ارزش واقعی به آنها اهمیت داده است. مقصود از نسب هدایت غریزه جنسی و بررسی مسائل زناشویی و خانوادگی و مانند آنست ، و مقصود از مال : تولید ثروت و توزیع آن و مسائل درآمد و هزینه و پس انداز و سرمایه و مانند آنست که شامل مکاتب گابینا الیسم و سوسیالیسم عصری و غیره و نیز شامل مسائل تجارت و بخل و سخاوت و انفاق و اسراف و مانند آن از مسائل اسلامی میشود ، که انشاء الله در آتیه از آن بحث خواهیم کرد . بنابراین ، مقاله حاضر قسمت دوم «ارکان فقهی و اجتماعی اسلام» است ، ولی چون در این مقاله تنها مسائل ازدواج از نظر اسلام و فطرت بررسی میشود و یا پیوستگی اسلام و فطرت را در موضوع ازدواج ثابت میکند بعنوان «ازدواج اسلام و فطرت» نامیده شد .

اهمیت مال و نسب - برتراندراسل گوید: «در تشریح خصایص هر اجتماعی خواه قدیم یا جدید، توجه به دو عنصر مهمی که وابستگی نسبتاً نزدیک بهم دارند، حائز اهمیت فراوانست : یکی سیستم اقتصادی است و دیگری سیستم خانواده . امروزه دو مکتب فکری مهم و معتبر هست : یکی مکتب **مارکس** و دیگری مکتب **فروید** که اولی همه چیز را ناشی از اقتصاد و دومی همه چیز را منبث از خانواده و امور جنسی میدانند»^۲ .

صاحبان این دو مکتب در تفسیر کلمه **همه چیز** گشاده دستی بیدریفی نشان میدهند ؛ چنانکه میگویند : تندرستی و بیماری بشر ، جنگ و صلح بشر ، ترقی و انحطاط بشر ، پیدایش مکتبهای مختلف سیاسی و اقتصادی و علمی بشر ، پیدایش پیغمبران و دعوتهای دینی بشر !! کیفیت تفکر و اراده بشر ، همه و همه مولود ثروت مندی و فقر بشر و یا آزادی و سرکوبی غریزه جنسی اوست ، بلکه مال و غریزه را در جهان هستی زیربنای فعال و مقتدر و انسان را آلتی بی اراده و مجبور میدانند

— ولی معلوم نیست که دانستن همین مطلب را به خود نسبت میدهند یا به آن دو. .
 البته این دو مکتب در میان دانشمندان مخالف بسیار دارد. راسل پس از بیان
 دو مکتب فوق گوید: «من بشخصه هواخواه هیچیک از این دو مکتب نیستم»^۳ و باز
 میگوید: «بنظر من اشتباهست اگر بخواهیم سیاست را بر اساس نظریات فروید
 تعبیر کنیم»^۴.

مترجم کتاب «پسیکانالیز» درباره فروید چنین گوید: «همیشه عده کثیری
 به مخالفت او قیام میکردند و او را مردی فاسد و بیدین و بدبین میخواندند، زیرا
 او اصرار داشت که انسان فاقد هرگونه اختیاری است و غرائز غیر انسانی یعنی
 شهوت او را مهار کرده است»^۵.

از آنچه در مقال سابق تحت عنوان «درجات ارکان» گفتیم میتوان حدس
 زد که اگر پیروان این دو مکتب در آتیه پیشرفت علمی بیشتری کنند، خواهند
 گفت: همه چیز بشر ناشی از غریزه حب ذات (خودخواهی و اهمیت جان) است،
 نه مال و غریزه جنسی، زیرا این دو اگر در طریق حفظ و سعادت جان مصرف
 نشوند، ارزش و اهمیتی ندارند و انسان اگر برای کسب مال و اعمال غریزه، جان
 خود را در خطر ببیند، باز میایستد و عقب نشینی میکند، و نیز مال را برای حفظ
 جان خویش خرج میکند، پس ریشه و زیربنای تمام حرکات و سکنات انسان **حب
 ذات** است.

و باز اگر در پیشرفت علمی خود قدمی فراتر گذارند، **عقل** را جایگزین جان
 کنند و بگویند: همه تلاش و فعالیت انسان برای حفظ و تعدیل عقل است، زیرا جان
 بدون عقل ارزشی ندارد و انسان دیوانه در تیمارستان اسیر تیماردار خویش است
 و بدتر از حیوان زندگی میکند.

۳- زناشویی و اخلاق ترجمه یونسی ص ۵.

۴- مأخذ سابق ص ۲۷۶.

۵- زندگی من و پسیکانالیز، ترجمه عنایت ص ۱۶.

وباز درگام سوم پیشرفت خود، شاید ایمان را جانشین عقل کنند و بگویند: مطالب عقلی تا بسرحد ایمان یعنی باور قطعی و اعتقاد ثابت نرسیده باشد، ارزشی ندارد؛ زیرا تصویری بیش نیست و از مرحله ذهن تجاوز نکرده، انسان را بفعالیت و عمل وادار نمی‌سازد، پس شریفترین غریزه و پرازش‌ترین سرمایه معنوی انسان که منشأ همه اعمال و گفتار اوست ایمان^۶ و سپس عقل و بعد از آن جان و آنگاه نسب و مال است در این هنگام پیروان این دو مکتب به اهمیت گفتار فقهاء اسلام پی‌می‌برند که از هزار سال پیش گفتند: «هیچ پیغمبری جز برای حفظ ایمان و عقل و جان و نسب و مال مبعوث نشد» ولی نباید انتظار داشت که اگر ایشان روزی به ارزش عقل و ایمان آگاه شوند، در راه آن فداکاری کنند و احزاب تشکیل دهند و انقلاب نمایند، چنانکه نسبت به مال و غریزه جنسی کردند؛ زیرا جانبداری از عقل و ایمان تنها جنبه معنوی دارد و استدلالش متین و متقن است، ولی نه شکمی را سیر کند و نه شهوتی را ارضاء نماید، و انسان چنانکه آفریدگار او گوید، بیشتر اسیر کام‌گیری و شهوترانی خویش است، اگر چه به‌زبان عاقبت و پایان کار او باشد. **بل یرید الانسان لیفجر امامه، یسال ایّان یوم القیامة... کلاب تجبّون العاجلة و تذرون الآخرة**^۷.

و پیغمبر (ص) فرمود: آنچه امت را از همه بیشتر به‌دو زخ درآورد، دو چیز میان‌تهی است: شکم و عورت^۸.
وباز فرمود: پس از مرگ نسبت بسه امر درباره امتم نگرانم: گمراهی بعد از معرفت و فتنه‌های گمراه‌کننده و شهوت شکم و عورت^۹. و نیز خویش‌داری از

۶- در اینجا ایمان را بمعنی کلی و عامش ملاحظه کردیم و در مقال سابق بمعنی خاص و محدودش یعنی

ایمان دینی *

۷- قرآن کریم، س قیامة ۵ و ۶ و ۲۰ و ۲۱ .

۸- اکثر مانع به امتی النار الاجوفان: البطن والفرج. بحار جلد ۷۱ ص ۲۶۹ .

۹- ثلاث اخافن بعدی علی امتی: الضلالة بعد المعرفة ومضلات الفتن وشهوة البطن والفرج. بحار

ج ۷۱ ص ۲۶۹ .

طغیان شکم و شهوت ، بزرگترین فداکاری و جهاد معرفی شده است .
 مردی به امام باقر (ع) عرض کرد: درکارهای ثواب ناتوانم : نماز و روزه
 مستحب کمتر انجام میدهم ، ولی امیدوارم موضوع خوراک و زناشوئیم جز از طریق
 مشروع نباشد. امام فرمود : **مگر بهتر از پاک خوردن و پاک نامنی جهادی هست؟^{۱۰}**
 (یعنی خویشتن داریت از خوراک و شهوت حرام ، نه تنها از نماز و روزه مستحب
 بلکه بهترین جهاد در راه خداست) .

در هر حال باید گفت : مبدعین این دو مکتب در تشخیص نقطه تحریک و مرکز
 انفجار انسان به هدف رسیدند و بهمین جهت پیشرفت چشم گیری - مخصوصاً
 در میان طبقه جوان - پیدا کردند ، ولی از نظر اسلام ایشان بیش از حد واقعی به مال
 و غریزه اهمیت دادند و چیزیرا که جزء علت تکامل و سعادت انسان بود ، علت
 تامه اش دانستند و بعبارت دیگر ، افراط و انحرافی را که طبع بشر نسبت باین دو
 امر خواهانست بفکرش القا کردند ، و اما نظر پیغمبران الهی - مخصوصاً پیغمبر
 گرامی اسلام - که ما اکنون از دستورات او سخن میگوئیم از مباحث آینده دانسته
 میشود .

موقعیت موضوع جنسی - از نظر اسلام تجاذب ناخود آگاه ، در میان نر و ماده
 انسان و حیوان ، هدیهئی است الهی که برای بقاء و تجدید نسل ، در آنها گذاشته
 شده است . هر یک از آنها در دوران معینی از عمر خویش ، گرایش طبیعی خود را
 به جنس مخالف احساس میکنند و بدون انجام عمل ارضاء نمیشوند. این است معنی
غریزی بودن امر جنسی .

واسل در اینجا دچار شك و تردید گشته ، گاهی میگوید : «عمل جنسی در
 انسان غریزی نیست»^{۱۱} و گاهی میگوید : «من نمیدانم جریان در مورد اقوام

۱۰- عن ابیجعفر (ع) قال له رجل انی ضعيف العمل، قليل الصلاة، قليل الصوم، ولكن ارجو ان لا

آكل الا حلالا ولا انكح الا حلالا. فقال: وای جهاد افضل من عفة بطن و فرج ، بحار ج ۷۱ ص ۲۷۳ .

۱۱- زناشویی و اخلاق ص ۱۵۹ .

غیر متمدن از چه قرار ممکن است باشد ، ولی مردم متمدن عمل جنسی را باید فراگیرند»^{۱۲} و باز میگوید : «عملی که میتوان آنرا بمفهوم روانشناسی محض غریزی خواند ، مکیدن پستان مادر در کودکی است»^{۱۳} .

آقای راسل باید بداند که انسان اگر راهی به تفهیم و تفاهم با کودک میداشت ، بعید نبود ، نظر خود را در مکیدن پستان هم اعمال کند و این امر غریزی مسلم را تحت عنوان علم و بهداشت و تکامل و مانند آن ، از صورت اصلی خود بگرداند و کودک بیچاره را با اختلاف عقاید و انظار دانشمندان شرق و غرب مواجه کند ؛ چنانکه نسبت به امور جنسی و بسیاری از امور فطری و غریزی دیگر کرده است . در هر حال وجود غریزه جنسی در انسانهای نخستین و بقاء نوع بشر تا عصر حاضر و احساس گرایش صریح و روشنی که هر یک از ما بجنس مخالف خود داریم ، دلیل بارز و آشکاری بر بطلان هر گونه شك و تردیدی نسبت به غریزی بودن امر جنسی است و اگر ابهامی وجود داشته باشد ، باید علتش را در عوارض طاریه و تربیت های منحرف کننده جستجو کرد .

خداوند حکیم و خالق مهربان انسان ، هنر مکیدن پستان را که خود فنی دقیق و ظریف و محتاج به تعلیم و تمرین است به کودک ناتوان و بی بهره از هر علم و فنی میآموزد ، برای اینکه تا مدتی معین زندگی کند و حیات طبیعی خود را به پایان رساند^{۱۴} . اگر چنین تعلیمی نمیبود ، پدر و مادر کودک و بلکه هیچ مکتب و تکنیکی قادر به تعلیم وی نبودند . همچنین اگر غریزه جنسی را بصورت آتشی فروزان بلکه کوهی آتشفشان در درون پسر و دختر جوان شعله ورنمیساخت ، هیچیک از آنها بگمان تحمّل رنج و مشقت سازش با جنس مخالف و پرورش کودک و سلب آزادی ، زیر بار تأهل و تشکیل خانواده نمیرفت و در نتیجه چندین قرن پیش نسل بشر

۱۲- زناشویی و اخلاق ص ۱۷ .

۱۳- ماخذ سابق ص ۱۷ .

۱۴- امام صادق (ع) مکیدن پستان و گریه کردن هنگام ناراحتی و گرسنگی را برای کودک ، تعلیم الهی

محض میدانند ، بحار ج ۳ ص ۶۵ .

منقرض میشد و امروز نویسنده و خواننده و موافق و مخالفی وجود نداشت.

روش طبیعی تناسل - هرگاه ذهن خود را از آراء و عقاید بشری و هم از مقررات

مذهبی خالی کنیم و سپس با نظری صافی و ساده بجهان خلقت بنگریم، در هر نوعی از جانداران نر و ماده‌ئی می‌بینیم که از طریق عمل جنسی تولید نسل میکنند، پس میفهمیم که منظور طبیعت از ایجاد نر و ماده، توالد و تناسل و تجدید نوع است، و نوعی را که تک‌آفریده، مانند ماه و خورشید، تناسل و تجدید نوعش را طالب نیست. آنگاه تناسل حیوانات را مینگریم و نوزاد آنها را از نظر میگذرانیم، برخی از آنها را مانند ماهی و حشرات محتاج بسرپرستی پدر و مادر نمی‌بینیم، زیرا خود نوزاد از نخستین ساعات ولادت، استقلال دارد و میتواند در محیط خود زندگی کند. و برخی مانند چارپایان تا مدت کوتاهی تنها بپایمادر احتیاج دارند، و برخی مانند پرندگان به پدر و مادر، زیرا مادر باید روی تخم بخوابد تا گرم بماند و از نوزادان نگهداری کند و پدر برای آنها آذوقه بیاورد، سپس نظر خود را به نوع خویش، یعنی انسان معطوف میداریم و می‌بینیم نوزادان ما لا اقل پانزده سال متوالی سرپرستی و نگهداری میخواهند و تا حدود ۴ سال، تناسل انسان ادامه دارد. و با ملاحظه توسعه زندگی مادی و معنوی انسان نسبت بچیان، زناشوئی و تناسل انسانرا بسی دشوارتر و مشکلتر از حیوان می‌بینیم و فکر میکنیم انسان از زیر بار چنین تکلیف شاقی شانه خالی میکند، و اسی پیش از اینکه او چنین فکری کند، طبیعت تیزبین با نبوغ و هوش سرشار خویش، این مشکل را باسانی چاره نموده، و چاشنی بسیار لذیذی که تمتع از عمل جنسی ولدت دیدار همسر و فرزندانست، در زناشوئی آنها داخل کرده است که پسر را با کمال طوع و رغبت بخواستگاری و امضاء تعهد میبرد، و پس از تلاش و فعالیت طاققت فرسای روزانه، شبانگاه بخانه میکشد، و چهره عبوس و پیچیده اش را، با دیدار همسر و فرزند، شاداب و خندان میکند، در صورتیکه علت اصلی آن چهره عبوس، تأمین احتیاجات همین زن و فرزند بوده است، و دختری را که ناله‌های جانگداز مادرش را در حمل و وضع و بچه‌داری شنیده است به اعتراف و امضاء قرارداد ازدواج و ادار می‌کند.

فتبارك الله احسن الخالقين .

عدم انحراف حیوانات :

در اینجا حیوانات را می بینیم که از هزاران سال پیش تا عصر حاضر، از مسیر طبیعی و غریزه الهی خویش منحرف نشده و ناراحتی و اشکالی در زندگی آنها پیش نیامده است . نه هیچ حیوانی دست به استمنا زدن و نه با غیر جنس خود درآمیزد . نه رهبانیت اختیار کند و نه با جنس موافق عشق ورزد . نه پرنده نر ماده را طلاق دهد و آذوقه نیاورد ، و نه در میان آنها نزاع و کشتار خانوادگی رخ دهد . تنها انسانست که همه این تخلفات را انجام داده و برای توجیه و تصویب اعمال خویش کتابها نویسد و خطابه ها القا کند . انسانست که قانون وضع میکند : کودک تا ۱۸ سال نابالغ است و محتاج به قیم و سرپرست ولی میباشد و همان انسانست که همسر خود را با چندین کودک نابالغ طلاق میگوید . انسانست که قوانین و مقررات زناشویی مینویسد و خود او جنگ جهانی برپا میکند و میایونها کودک بی سرپرست را در محیط خویش رها میکند . انسانست که سقط جنین میکند یا فرزند نامشروع بجامعه تحویل میدهد ، در صورتیکه پرنده ایرا که او بریان میکند و میخورد ، از این فحشاء و جنایات خبر ندارد ، نمیخواهم بگویم : ایکاش انسان هم مانند حیوانات ، نمیتوانست غرائز اولیه خود را تغییر دهد ؛ بلکه میخواهم بگویم : آنهایکه از اختلاف و تناقض آراء دانشمندان بشر در هر موضوع کوچک و بزرگ علمی بستوه آمده و نسبت بهمه چیز با تردید و تحیر مینگرد ، ایکاش میتوانستند باور کنند ، که خالق مهربان آنها با تعالیم فرستادگانش ، ایشانرا بفرائز اولیه و فطرت پاکشان هدایت میکند .

دهبری غریزه جنسی - از فصل سابق دانسته شد که غرائز حیوانات تغییر ناپذیر است ، ولی انسان چون با اراده و مختار آفریده شده باسانی میتواند غرائز خود را تغییر دهد . اکنون میگوئیم : غریزه جنسی مانند هر چیز دیگری که بشر در اختیار دارد ، قابل انعطاف و دوپهلواست ، بنحوی که بشر میتواند آنرا در مسیر درست خود سوق دهد و سعادتمند شود ، و یا منحرفش کند و از آن زیان و بدبختی

ببند، غریزه جنسی چنانکه فروید گوید: ماشین بی فرمان و ترمزی نیست که انسانرا برگرفته و بی اختیار حرکت دهد، بلکه ترمز و فرمانش دردست خود انسانست که به راهش میبرد و یا بجاهش میاندازد، از اینرو غریزه جنسی را میتوان به آب و برق منزل تشبیه کرد که اگر درمسیر صحیح رهبری شوند، رفاه و آسایش خانواده را تأمین کنند، ولی اگر آبر را درزیر پایه ساختمان و برق را بدر و دیوار منحرف کنند، خسارت و هلاکت بهار آورد.

غریزه جنسی درمسیر صحیحش خانواده‌ای که کانون عشق و صفا و سعادت است تشکیل دهد، و نسلی طاهر و با تربیت برای اجتماع باقی گذارد، و در صورت انحراف، نتیجه‌اش فحشاء مبین و سقط جنین و کانون خشم و کین است، پس بناچار باید بگوئیم: غریزه جنسی برنامه و رهبر لازم دارد. ما و تمام مسلمین جهان با صدای رسا میگوئیم: در تمام دوران تاریخ بشر، توازن و تعادل افراد زن و مرد رعایت شده و سنجیده بوده است. در هیچ عصری بهلت گه‌بودن مردان متعددی با زن واحدی ازدواج نکرده‌اند، تا مقام ارجمند بانو و مادر بسرحد خدمتگزار و اسیر، بلکه پوشاکی مشترک تنزل یابد - پیداست که ازدواجهای اشتراکی بخاطر زنده درگور کردن دوشیزگان و یا خیال موهوم صرفه‌جویی در زندگی و یا شهوترانی انحرافی و علل دیگر است - مردم خداشناس جهان در برابر قدرت رموزیکه در تاریکی رحیم، دختر و پسر را با حساب و سنجش صورتگری میکند تعظیم و ستایش میکنند و برنامه زندگی زناشویی خود را از او میجویند و استدلال خود را در برابر مادیین بصورت چنین سؤالی مطرح میکنند:

آیا برنامه‌ریزی برای روش زناشویی با تساوی و اختلاف عدد زن و مرد ارتباط دارد یا نه؟

اگر ارتباط دارد و بلکه پایه و اساس کار است، آیا قدرتی که این پایه و اساس را دردست دارد، حق برنامه‌ریزی دارد، یا افکاری بیگانه و بی‌خبر و ناتوان و خیره‌سر؟ - چنانکه در فصل «غریزه جنسی و مکاتب بشری» توضیح میدهم - علاوه بر آنکه هیچ خداشناسی به بیگانه از خدا اجازه نمیدهد که وی در

خصوصی‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل زندگی او شرکت‌کند، خداشناس چنین حقی را تنها به آفریدگارِ مهربانتر از پدر و مادر خویش می‌دهد که برای او جفت آفریده و غریزه جنسی عنایت کرده است. برای رعایت همین اصلِ مسلم است که کشورهای اسلامی قوانین زناشویی خود را از قرآن مجید اتخاذ میکنند و اگر اختلافی در آنها مشاهده میشود، بواسطه اختلاف در فهم آیات قرآن و تطبیق آن با وضع موجود کشور است و گرنه هیچ مسلمانی در قالب فرد یا جامعه نمیتواند قوانین زناشویی خود را از بیگانه اخذ کند و مقررات آسمانی خویش را که بدان معتقد است نادیده انگارد.

در هر حال پیغمبر گرامی اسلام در طول چهارده قرن با ارائه برنامه الهی خویش پیروانش را رهبری فرموده و زنان و شوهرانی تربیت کرده است که عمری با عفت و پاکدامنی و مناعت زندگی کردند و فرزندان خویش در اوان بلوغ همسر دادند تا در انحرافات جنسی بر روی ایشان بسته شود. ایشان هم چون والدین خویش عمری قرین عزت و سعادت سپری کردند، ولی آنها که از تعالیم مقدسش سرپیچی نمودند، تا چهل سال گرفتار انحراف جنسی و سپس که بخاطر مال و هوس ازدواج کردند، دچار جنگ و اختلاف و سقط و طلاق و دادگاه و زندان شدند.

هدف اسلام از زناشویی :

چنانکه در فصل «روش طبیعی تناسل» گفتیم، هدف طبیعت از ایجاد نر و ماده، بقاء نوع و تکثیر نسل است. دین مقدس اسلام که در همه جا، مقررات فطری و طبیعی تکوین را تدوین میکند، در این مورد هم عین مقرر طبیعی را تثبیت و امضا فرموده است؛ بلکه چنانکه از فصل «رهبری غریزه جنسی» دانسته شد، دوجاعل و واضع وجود ندارد تا تثبیت و امضاء تحقق یابد، بلکه در حقیقت اتحاد و تنسیق است و همان آفریدگاریکه نر و ماده پدید می‌آورد، دستور ازدواج صادر میکند، و چون تعداد ماده را بیشتر قالب میریزد، حرمت تعدد زوج را فرمان میدهد، سپس چون زوج را از کودک شکم و بغل سنگین بار میکند، محیط خانها را برایش مناسبتر می‌بیند. و چون خانه‌دارش می‌کند، و از کسب و درآمد باز میماند،

مخارجش را بمعهده شوهر میگذارد. و باز بشوهر بازوانی قویتر و روحی خشن تر میدهد، و در خارج خانه بمبارزه زندگیش میفرستد.

آنکه هفت اقلیم عالم را نهاد هر کسی را آنچه لایق بود داد دریفا که عواقب جنگهای جهانی و خودخواهی و شهوترانی بشر، بیشتر موازین طبیعی و مبنای اخلاقی را درهم کوبیده و عمل بدان را دشوار و ناممکن ساخته است، ولی اگر بنشینیم و تطابق دین و فطرت را در امور جزئی و کلی، استنباط و استخراج کنیم، اولاً امتیاز و اعتلاء دین خود را ثابت کرده ایم و ثانیاً شاید اخلاق نوین نویسان معاصر را شرم و تنبُّهی حاصل شود، و ثالثاً - که از همه مهمتر است - مواردی را که خودخواهی و شهوترانی بشر در مسائل دین تصرف کرده و آنها را از تطابق با فطرت و طبیعت دور ساخته است باز می شناسیم.

اکنون ادله قرآنی را که حاکی از هدف ارتقاء نسل و بقاء نوع است بیان میکنیم:

۱ - از هر چیزی جفت آفریدیم، شاید درك کنید^{۱۵} (که چنین آفرینشی برای بقاء نسل است).

۲ - خدا برای شما از خودتان همسران قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگان پدید آورد^{۱۶}.

۳ - اوست که از آب بشری آفرید و آنرا نژاد و پیوند کرد^{۱۷}.

۴ - از آیات خداست که شمارا از خاک آفرید، اینک شما انسانهایید گسترش یافته^{۱۸}.

و چون خالق هستی زن و مرد و غریزه جنسی آنها را برای بقاء نوع و ارتقاء نسل آفریده است، با هر روش و برنامه ای که ضد این هدف باشد و یا خللی به آن رساند مخالفت کرده است. در این باره بچند دستور توجه کنید:

۱۵- ومن كل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون - ذاریات ۴۹ .

۱۶- والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً وجعل لکم من ازواجکم بنین وحفدة - نحل ۷۲ .

۱۷- وهوالدی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً - فرقان ۵۴ .

۱۸- ومن آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون - روم ۲۰ .

۱ - با رهبانیت و ریاضت‌کشی مخالفت میکند، زیرا سبب انعدام نسل و اضمحلال نوعست .

جماعتی از اصحاب پیغمبر (ص) آمیزش با زنان و خوردن روز و خوابیدن شب را بر خود حرام کردند. ام سلمه به پیغمبر (ص) خبر داد، حضرتش نزد اصحاب آمد و با تعجب بآنها فرمود: از زنان خود رومیگردانید؟ من با زنان آمیزش دارم و روز میخورم و شب میخوابم، هر که از روش من روگرداند از من نیست^{۱۹} (دین من ندارد) .

۲ - با لواط و استمناء و آمیزش با حیوانات مخالفت میکند، زیرا تخم پاشیدن در شورهزار است و تباه ساختن مقداری از مایه نسل^{۲۰} .

۳ - با زنا و فحشاء مخالفت میکند، زیرا اطلاق نسل است و یا ایجاد نسل فاسد و بدبخت .

امام رضا (ع) در پاسخ مردی که از او علت تحریم زنا را خواسته بود نوشت: خدا زنا را حرام کرد، زیرا موجب قتل نفس است و رشته نژاد و نسب را پاره میکند و تربیت کودکان را از میان میبرد و ارث بردن را تباه میسازد و فسادهای دیگری نظیر اینها ایجاد میکند^{۲۱} ما در آینده تحت عنوان «علت تحریم زنا» در این باره بحث میکنیم .

۴ - طلاق را مبفوض و منفور می‌شمارد، زیرا توالد و تناسل را دچار وقفه و تعطیل میکند و فرزندان موجود را بهلاکت نزدیک میسازد .

۱۹- ان جماعة من الصحابة كانوا حرموا على انفسهم النساء والافطار بالنهار والنوم بالليل، فأخبرت ام سلمة رسول الله (ص) فخرج الى اصحابه، فقال: اترغبون عن النساء؟ انى آتى النساء وآكل بالنهار وانام بالليل، فمن رغب عن سنتي فليس مني. رساله محکم و متشابهه ص ۹۲، و سائل حديث ۲۴۹۲۱ .

۲۰- در این باره صاحب وسائل ۴۵ روایت نقل می‌کند به ص ۲۴۸-۲۶۸ ج ۱۴ و سائل مراجعه شود .

۲۱- عن الرضا (ع) فيما كتب اليه من جواب مسائله: وحرم الله الزنا لما فيه من الفساد من قتل النفس، وذهاب الانساب. وترك التربية للاطفال، وفساد الموارث وما اشبه ذلك من وجوه الفساد. علل الشرايع ص ۱۶۳. عيون الاخبار ص ۲۴۳. و سائل ج ۱۴ ص ۲۳۴ و نیز در وسائل ۴۸ روایت دیگر در این باره نقل میکند.

امام صادق (ع) فرمود: در میان چیزهایی که خدا حلال فرموده، چیزی مبعوض تر و منفورتر از طلاق نزد او نیست^{۲۲}.

و پیغمبر (ص) فرمود: خدا دوست ندارد زن و مردی را که برای چشیدن ازدواج کنند^{۲۳} (قصده تولید نسل نداشته باشند).

۵ - بدینی نسبت به زن را روا نمیدارد، زیرا مقدمه طلاق و فراقست. علی بن ابیطالب (ع) در مکتوبی که بعنوان درس زندگی برای پسرش فرستاده مینویسد: «مبادا نسبت به زنت بیجا غیرت ورزی (در عفتش شک کنی و باو بدبین شوی) که چنین کاری زن درست را به نادرستی کشد و پاکدامن را به ناپاکی وادارد^{۲۴}.

۶ - عشق بازی و دلبری زن را برای غیر شوهر نمیخواهد، زیرا یا بیهوده و لغو است و یا گاهی بسوی زنا زنی شوهر دار.

پیغمبر (ص) فرمود: خدا سخت غضب میکند بر زن شوهر داری که چشم خود را بمردی غیر شوهرش بدوزد^{۲۵}.

۷ - وحتى فکر کردن درباره زنا را برای پیروانش روانمیدارد، زیرا فکر باید مقدمه عمل پاید شود، و محیط مغز را آلوده کند و در آنحال از فکر شریف بازدارد.

جناب عیسی (ع) بحواریین فرمود: موسی بشما دستور داد زنا نکنید، ولی من میگویم زنا را در دل خود هم خطور ندهید، تا چه رسد که زنا کنید، زیرا کسیکه زنا را در دل خطور دهد، مانند کسی است که در خانه منقش و آراسته آتش

۲۲- مامن شیء مما احله الله ابغض الیه من الطلاق. وسائل ج ۱۵ ص ۲۶۷.

۲۳- ... فان الله لا یحب الذواقین والذواقات، وسائل ج ۱۵ ص ۲۶۸.

۲۴- وایاک والتغایر فی غیر موضع غیره، فان ذلك یدعو الصحیحة الی السقم والبریئة الی الرب،

نهج البلاغه، مکتوب ۳۱.

۲۵- اشتد غضب الله علی امرأة ذات بعل ملئت عینها من غیر زوجها. عقاب الاعمال ص ۴۸، وسائل

ج ۱۴ ص ۱۷۲.

روشن کند ، اگر آتش خانه را نسوزد ، دودش نقش و نگار را خراب کند^{۲۶} و از جانب دیگر هر امریکه به تحکیم مبانی خانواده کمک میکند ، مستحسن و مستحبش^ک می‌شمارد و مردم را بآن تشویق و ترغیب میکند .
اینک بچند دستور در این باب توجه شود :

۱ - وساطت در امر ازدواج را نیکو دانسته و هر که گامی در این راه بردارد ثواب و پاداشش داده .

امیر المؤمنین (ع) میفرماید : بهترین میانجیگریها ، وساطت در امر ازدواج است ، تا خدا میان دوتن ارتباط دهد^{۲۷} .

و امام صادق (ع) فرمود : کسیکه جوان بی همسری را بهمسر رساند ، روز قیامت خدا باو نظر رحمت کند^{۲۸} .

۲ - بدوستی زنان و خوشرفتاری با ایشان دستور داده است .

پیغمبر (ص) فرمود : بهترین شما مردان کسی است که با زنش بهتر باشد ، و من در رفتار با زنانم بهتر از همه شمایم با زنانان^{۲۹} .

و امام صادق (ع) فرمود : باور دارم که هر مردی خیر ایمانش زیاد شود ، بهمان نسبت ، دوستیش نسبت به زنان زیاد شود^{۳۰} .

۳ - مردان را به ازدواج با دوشیزگان زاینده تشویق کرده است .

پیغمبر (ص) فرمود : دوشیزه زاینده را برای همسری بگیرید و با زن زیبای

۲۶- ان موسى امرکم ان لا تزنوا وانا امرکم ان لا تحذثوا انفسکم بالزنا. فضلا عن ان تزنوا، فان من حدث نفسه بالزنا کان کمن اوقد فی بیت مزوق. فافسد التزایوق الدخان وان لم یحترق البیت . وسائل ج ۱۴ ، ص ۲۴۰ .

۲۷- افضل الشفاعات ان تشفع بین اثنين حتی یجمع الله بینهما. تهذیب ج ۲ ص ۲۲۷ ، وسائل ج ۱۴ ص ۲۷ .

۲۸- من زوج اعزب کان ممن ینظر الله الیه یوم القیامة. فروع کافی ج ۲ ص ۵۰. وسائل ج ۱۴ ، ص ۲۶ .

۲۹- الاخیرکم خیرکم لسانه وانا خیرکم لسانئ، من لایحضر ج ۲ ص ۱۴۲ ، وسائل ج ۱۴ ، ص ۱۲۲ .

۳۰- ما اظن رجلا یزداد فی الایمان خیرا الا ازداد حباً للنساء، فروع کافی ج ۲ ص ۴ ، وسائل ج ۱۴ ص ۹ .

نازا همسر مشوید^{۳۱}

وامام چهارم (ع) فرمود: زن سیاه پوست زاینده در نظر من از سفید پوست
زیبای نازا بهتر است^{۳۲}.

۴ - همه پیروانش را به حذف تشریفات ازدواج و تخفیف مهریه دستور داده
است.

زنی نزد پیغمبر (ص) آمد و عرض کرد: مرا شوهر بده، آنحضرت روبه
اصحاب کرد و فرمود: کیست خواستگار این زن؟ مردی برخاست و گفت: من
پیغمبر (ص) فرمود باو چه میدهی؟ گفت: من چیزی ندارم... فرمود: از قرآن
چیزی بلدی؟ گفت: آری. فرمود: او را همسر تو کردم که آنچه از قرآن میدانی
باو تعلیم دهی^{۳۳}.

۵ - وزوجین مخصوصاً زن را به زینت و آرایش برای یکدیگر ترغیب فرموده
است.

امام باقر (ع) فرمود: برای زن سزاوار نیست که از زینت خالی باشد، اگر چه
تنها گردن بندی بپاویزد و سزاوار نیست دستش را از رنگ زینت خالی گذارد،
اگر چه با مالیدن حنا باشد و اگر چه زن کهنسال باشد^{۳۴}.

و از پیغمبر (ص) پرسیدند: زن برای شوهر نابینایش چه زینتی کند؟
فرمود: بوی خوش و خضاب استعمال کند^{۳۵}.

۳۱- تزوجوا بکراً و لوداً و لا تزوجوا حسناء جمیلة عاقراً، وسائل ج ۱۴ ص ۳۳.

۳۲- اعلموا ان السوداء اذا كانت ولوداً احب الی من الحسنة العاقرة، من لایحضر ج ۲ ص ۱۲۶ و وسائل

ج ۱۴ ص ۳۳.

۳۳- جاءت امرأة الی النبی (ص) فقالت: زوجنی، فقال: من لهده؟ فقام رجل فقال: انا یارسول الله.

قال ما تعطیها؟ قال مالی شیء - الی ان قال - اتحسن شیئاً من القرآن؟ قال: نعم. قال: قد زوجتکها علی

ما تحسن من القرآن فعلمها اياه. ووسائل ج ۱۴ ص ۱۹۵.

۳۴- لاینبغی للمرأة ان تعطل نفسها ولو ان تعلق فی عنقها قلادة، و لا ینبغی ان تدع یدها من الخضاب

ولو ان تمسحها مسحاً بالحناء وان كانت مسنة، فروع کافی ج ۲ ص ۶۱، ووسائل ج ۱۴ ص ۱۱۸.

۳۵- سئل رسول الله (ص) ما زینة المرأة للاعمی؟ قال: الطیب والخضاب... ووسائل ج ۱۴ ص ۱۱۹.

وباز به مردان فرمود: لباسهای خود را بشوئید و موهای خود را کم کنید و مسواک بزنید و زینت و تنظیف کنید، زیرا یهودیان چون چنین نکردند زانانشان زناکار شدند^{۳۶}.

۶- و تعدد زوجات را با شرایطی جایز دانسته تا به بیوگان و جبران تلفات جنگ کمک بیشتر و فوری‌تری کند.

۷- و در کنار خوابیدن زن و شوهر را در یکشب از چهار شب، حق زن و تکلیف مرد دانسته است، و برای زن هیچ تکلیف و وظیفه‌ای جز تمکین و پذیرش آمیزش مقرر نداشته و برای همین منظور و جلوگیری از لغزشها و فریب خوردنهای احتمالی زن، کسب اجازه از مرد را، در خروج از منزل بهتر و بخیر و صلاح خود زن دانسته و در خروج غیر مأذون نفقه آن مدت را از عهده مرد ساقط کرده است^{۳۷}.
با این چنین دستورهایی ساده اسلام می‌خواهد زن و شوهر را به یکدیگر بپیوندد و میان آنها انس و الفت ایجاد کند. اگر در اثر خودبینی و جهالت از یکدیگر بریدند، بیش از ۳ روز طول نکشد، و زن که در زندگی زناشویی تکلیف دشواری بدوش دارد، هر روز بخانه پدر فرار نکند، علاوه بر آنکه تجاذب ناخودآگاه درونی را، مصاحی حدیداللسان و فصیح‌البیان برای رفع اختلافات و کدورات کودخانه آنها قراردادده است.

۳۶- اغسلوا ثيابکم و خذوا من شعورکم و استاکوا و تزینوا و تنظفوا، فان بنی اسرائیل لم یکنوا یفعلون ذلك فزنت نساؤهم. نهج الفصاحة، ص ۳۷۳ و در این باره روایتی دیگر از حضرت ابوالحسن (ع) نقل شده است. عن الحسن بن الجهم، قال: رأیت ابا الحسن (ع) اختضب، فقلت: جعلت فداک، اختضبت؟ فقال: نعم، ان التهیة مما یزید فی عفة النساء، ولقد ترک النساء العفة بترك ازواجهن التهیة، ثم قال: ایسرک ان تراها علی ماترک علیه اذا کنت علی غیر تهیة؟ قلت: لا، قال: فهو ذاک ثم قال: من اخلاق الانبیاء التتظف و التحنط و حلق الشعر و کثرة الطرونة، وسائل ج ۱۴ ص ۱۸۳.

۳۷- روایات این باب بعنوان «قسم و نشوز» در کتب فقها و کتب احادیث مذکور است، و حدیث قسمت آخر اینست: ایما امرأة خرجت من بیتها بغير اذن زوجها فلانفق لها حتی ترجع، وسائل ج ۱۹ ص ۲۳۰.

تلقی اسلام از غریزه جنسی- با توجه به آنچه در فصول پیش گفته شد، غریزه

جنسی امری است واقعی و حقیقی که هر انسانی از درون خود آنرا احساس میکند و ودیعه‌ئی است الهی که برای توالد و تناسل به انسان عطا شده‌است و چون دین مقدس اسلام با کمال صراحت و وضوح وبدون ریاکاری و نفاق از هر واقعیت و حقیقتی پشتیبانی میکند، بوجود غریزه جنسی و آتشین بودنش، اقرار و اعتراف کرده و برنامه‌های مفصل و روشن برای طرز اعمال این غریزه در حد اعتدال مقرر داشته‌است، هر چند ریاکاران و بازیگران مکتب کلیسا و سوفسطائیان را ناخوش آید^{۳۸}.

ما در اینجا بطرز تلقی مسالمن از این غریزه کار نداریم، زیرا ممکن است این تلقی در کشورهای اسلامی مختلف باشد، چنانکه خود اینجانب در این موضوع

۲۸- در توضیح و استدلال عقیده رهبانیت که سفسطه و کلیسا از آن پشتیبانی کرده‌است، به مطالب نامعقول و مهیوعی برمی‌خوریم که قلم از نوشتنش شرم دارد، اگرچه راسل این مطالب را در فصل «اخلاق مسیحی» توضیح میدهد، و ریاضت‌کشان‌را که یکی ۵۰ سال و دیگری ۷۷ سال و سومی ۶۰ سال دست‌وپا نشسته و حمام‌ندیده بودند نقل میکند و سپس ریاکارانی‌را که خود را مرتاض جلوه داده و بحکم جبر طبیعت یکی ۱۷ بجه نامشروع در یک‌دهه و دیگری ۷۰ معشوقه و سومی ۶۵ کودک نامشروع داشتند شرح میدهد و خودش می‌گوید: «این طرز تلقی‌را باید یک‌برخورد کاملاً خرافی دانست... این که عقیده‌ای وسیعاً انتشار یافته و با اقبال عامه مواجه شده، به هیچ‌وجه دلیل این نیست که مطلقاً پوچ و بی‌پروا نباشد، در واقع بعات حماقت و جهالت اکثریت مردم احتمال اینکه یک عقیده شایع چیز پوچ و ابلهانه‌ای باشد بیشتر است، زناشویی و اخلاق ص ۵۸. و نیز آقای دکتر محسن شفائی در کتاب «متع» از این بحث سخن می‌گوید ص ۲۸۴. در حال در این مقاله روی سخن با خواننده شریفی است که در قضاوت‌های علمی و تشخیص حق از باطل، بفکر و عقل روشن خویش اتکائی معتدل دارد. مقصودم از اتکاء معتدل اینست که از طرفی شخصیت رجال بزرگ و مشهور جهان‌را در پذیرش گفتارشان تأثیر ندهد و از طرف دیگر گمنامی مردم غیر مشهور موجب رد و تکذیب گفتارشان نگردد. اگرچه این روش بسی دشوار بنظر میرسد، زیرا بسیاری شنویم از کسانی که کتاب و مقاله‌ای‌را نخوانده‌اند می‌گویند نویسنده کیست؟ و یا فلان نابغه چنین گفته‌است و یا کسی‌را که نمی‌شناسم، کتابش‌را نمی‌خوانم و امثال این جملات که حاکی از دخالت دادن شخصیت گوینده در تصدیق و تکذیب سخن وی دارد.

تفاوتی بسیار، میان مسلمانان ایران و حجاز مشاهده کرده‌است، و چنانکه ممکن است برخی از خوانندگان این مقاله، نویسنده را متهم کنند که افکارش در مسائل جنسی غوطه وراست و برای برخی دیگر مقاله‌ئی عادی باشد. در هر حال ما می‌خواهیم ذهن خود را از نحوه تلقی و تفکری که اجتماع و محیط بما بخشیده خالی کنیم و با شواهد و قرائنی که از متون اسلامی ذکر میشود، تلقی و بینش جدیدی پیدا کنیم.. اینک به برخی از نصوص دینی توجه فرمائید:

- ۱ - زنان کشته‌زار شمایند، هرگونه خواهید به کشته‌زار خود درآئید^{۳۹}.
- ۲ - در شبِ روزه آمیزش با زنها برای شما حلال است، آنها بمنزله لباس شما و شما بمنزله لباس آنهائید. خدا میداند که شما با خود خیانت میکنید^{۴۰} (یعنی با آنکه در حال روزه، عمل جنسی برای شما حرام است طبق احتیاج طبیعی آنرا انجام میدهید).
- ۳ - دخترانیکه در کنار شما هستند، از زنانیکه با آنها دخول کرده‌اید، بر شما حرامند و اگر با آنها دخول نکرده‌اید گناهی بر شما نیست^{۴۱} (که با آن دختران ازدواج کنید).
- ۴ - ترا از حیض میپرسند. بگو آن آزاری است (برای نزدیکی کننده آزار و تنفر دارد) پس در حال حیض از زنان کناره‌گیرید و با آنها نزدیکی نکنید تا پاک شوند و چون پاک شدند از آنجا که خدا دستورتان داده بر آنها درآئید^{۴۲}.
- ۵ - پیغمبر (ص) فرمود: من ازدنیای شما فقط زنان و بوی خوش را دوست

۳۹- نسائکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم. بقره ۲۲۲.

۴۰- احل لکم لیلۃ الصیام الرفث الی نسائکم، هن لباس لکم وانتم لباس لهن علم الله انکم کنتم

تختانون انفسکم. بقره ۱۸۷.

۴۱- وربائکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن فان لم تکنوا دخلتم بهن فلا جناح

علیکم. نساء ۲۳.

۴۲- ویسئلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض ولا تقربوهن حتی یتطهرن فانما

تطهرن فاتوهن من حیث امرکم الله. بقره ۲۲۲.

دارم^{۴۳}.

۶ - امام صادق (ع) پرسید: لذیذترین کارها چیست؟ هر کسی چیزی گفت، سپس خودش فرمود: لذیذترین کارها، همبستر شدن با زنانست^{۴۴}.

۷ - شخصی به امام باقر (ع) عرض کرد: چرا بعضی از مؤمنین عمل جنسی را با همسر خود زیاد انجام میدهند؟ فرمود: زیرا مؤمن میخواهد شهوت جنسی خود را از مواردیکه برایش حلال نیست، نگهدارد تا او را باین سو و آنسو نکشاند، لذا بهمسر حلال خویش رو آورد و بوسیله او خود را از دیگران بی نیاز کند^{۴۵}.

۸ - علی علیه السلام فرمود: هرگاه نگاهتان به زن زیبایی افتاد و شمارا خوش آمد، بخانه روید و با همسر خود همبستر شوید که او همان دارد که آن زن داشت، دل خود را از او بگردانید و برای شیطان راهی بدل خود باز نکنید^{۴۶}.

۹ - پیغمبر اسلام (ص) بدامادش علی چنین میگوید: در شب عید فطر و عید قربان و زیر درخت میوه دار با همبستر مشو^{۴۷}.

۴۳- ماحب من دنیاکم الا النساء والطیب. فروع کافی ج ۲ ص ۲۰۲. وسائل ج ۱۴ ص ۱۰.

۴۴- سألتنا ابو عبدالله (ع) ای شیء الذی فقلنا غیر شیء. فقال: الذی لا یباضع النساء، ووسائل

ج ۱۴ ص ۱۰.

۴۵- فما بال المؤمن قد یکنون انکح شیء؟ قال: لانه یحفظ فرجه عن فروج لا تحل له لکیلا تمیل به شهوته هکذا و هکذا، فاذا ظفر بالحلال اکتفی به واستغنی عن غیره، من لایحضر ج ۲ ص ۱۸۵، ووسائل ج

۱۴ ص ۱۷۹.

۴۶- عن علی (ع) قال: اذا رأى احدکم امرأة تعجبه فلیأت اهله، فان عند اهله مثل مارای فلا

یجعلن للشیطان علی قلبه سیبلاء لیصرف بصره عنها، ووسائل ج ۱۴ ص ۷۳، خصال ج ۲ ص ۷۰.

و نیز در این باب در روایت دیگر از پیغمبر و امام صادق (ع) نقل میکنند حتی امام صادق (ع) همین عمل را نسبت به پیغمبر (ص) بیان میکنند که آنحضرت نگاهش به زنی افتاد و نزد همسر خویش ام سلمه رفت و در حالیکه قطرات آب غسل از سرش میچکید، بسوی اصحاب برگشت و آنان را به عمل خود توصیه نمود.

۴۷- این حدیث به شماره ۲۵۵۵۷ و شماره ۲۵۲۱۰ در کتاب ووسائل از من لایحضر و امالی و علل

الشراعیع بتفصیل نقل شده و نیز در شماره ۲۵۵۵۵ پیغمبر گرامی اسلام (ص) دستورات شب زفاف را بدامادش می دهد .

۱۰ - پیغمبر (ص) فرمود: «دوشیزگان مانند میوه‌های چسبیده بدرختند، اگر میوه برسد و چیده نشود، آفتابش خراب کند و بادش بیرا کند، همچنین دوشیزگان چون بعد بلوغ رسند، دوائی جز شوهر ندارند، و گر نه اعتمادی نیست که فاسد نشوند، زیرا آنها هم بشرند»^{۴۸} و در حدیثی دیگر میفرماید: اگر دختران خود را شوهر ندهید، فتنه و فساد بزرگی در زمین پیدا شود^{۴۹}.

۱۱ - چون پیغمبر (ص) دختر خود را باز دواج علی در آورد، در شب زفاف علی را با دست راست و فاطمه را با دست چپ گرفت و هر دو را بسینه چسباند و پیشانی آنها ببوسید و سفارش آنها را بیکدیگر بنمود، و میان آنها راه میرفت تا بحجره مخصوصشان در آورد، سپس تا سه روز نزد آنها نیامد و چون روز چهارم بمنزل ایشان آمد علی و فاطمه زیر بالاپوشی بودند و پیش از آنکه پیغمبر (ص) نزد ایشان آید، اسماء را در صحن خانه بدید؛ از او پرسید اینجا بچه کار آمده‌ئی؟ گفت: برای کمک به تازه‌عروس، علی و فاطمه صدای پیغمبر (ص) شنیدند و خواستند برخیزند، پیغمبر (ص) فرمود: بجان من بحال خود باشید تا نزد شما آیم، ایشان هم پذیرفتند و زیر بالاپوش بودند تا پیغمبر (ص) نزد آنها رفت^{۵۰}.

۱۲ - امام صادق (ع) فرمود: کسیکه زنان متعددی بگیرد و نتواند با همه آنها همبستر شود، اگر یکی از آنها زنا کند و بالش بگردن مرد است^{۵۱} (و او هم در گناه زن شریکست، پس باید او را طلاق دهد تا شوهر دیگر کند)

۱۳ - مردی به امام صادق (ع) عرض کرد: دوشیزه‌ئی که نزد پدر و مادر خویش است، میخواهد پنهان از آنها با من زناشوئی داشته باشد، من چکنم؟

۴۸- ان الايثار بمنزلة الثمر على الشجر، اذا ادرك ثمارها فلم يجتن افسدته الشمس ونثرته الريح وكذلك الايثار اذا ادركن ما يدرك النساء فليس لهن دواء الا البعولة والا لم يؤمن عليهن الفساد لانهن بشر، تهذيب ج ۲ ص ۶۲۲، وسائل ج ۱۴ ص ۳۹.

۴۹- الا تفعلوه تكن فتنة في الارض وفساد كبير، وسائل ج ۱۴ ص ۵۱.

۵۰- مرآت العقول ج ۳ ص ۵۱۷.

۵۱- من جمع من النساء مالا ينكح فزنا منهن شيء فالائم عليه وسائل ج ۱۴ ص ۱۰۰ و ۱۸۱.

فرمود: آری جایز است، ولی از عورتش دوری کن. گفتم: اگر خردش راضی باشد چطور؟ فرمود: باز هم نه، زیرا از ازاله بکارت برای دوشیزه عیب است^{۵۲}.

توضیح: در این مورد روایات دیگری هم رسیده است که اجازه پدر را در ازدواج دائم و یا موقت با دوشیزه شرط میکنند که گویا نظر این روایات اینست که اغلب مردان بشرط خود وفا نمیکنند و چه بسا ممکن است دوشیزه را گول زنند و غافلگیر کنند و از او ازاله بکارت نمایند. برای توضیح بیشتر باید به مراجع استنباط احکام مراجعه کرد.

۱۴ - ابوبصیر گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: چه میفرمائید درباره جلوگیری از بارداری؟ فرمود: علی علیه السلام جلوگیری نمیکرد، ولی من جلوگیری میکنم. گفتم: اینکه مخالفت است. فرمود: اگر سلیمان مخالفت داود کند، او را چه زبانی رسد^{۵۳} یعنی علی و من هر کدام طبق اوضاع و احوال شخصی و عصری خویش عمل کرده ایم.

۱۵ - احادیث دیگری از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) درباره لواط^{۵۴} و مساحقه^{۵۵} و استمناء^{۵۶} و زنا^{۵۷} و نزدیکی در حال حیض^{۵۸} رسیده است و نیز

۵۲ - قلت لابی عبدالله (ع) جاریه بکر بن ابویها ندعونی الی نفسها سرا من ابویها فافعل ذلك؟ قال نعم، و اتق موضع الفرج. قلت: فان رضیت بذلك؟ قال وان رضیت فانه عار علی الابکار، و سائل ج ۱۴ ص ۴۵۸ و نیز در ص ۴۹۱ روایتی باین مضمونست.

۵۳ - قلت له ماتقول فی العزل؟ فقال کان علی (ع) لایعزل و اما انا فافعل. قلت: هذا خلاف. فقال: ماضر داود ان خالفه سلیمان. والله یقول: «ففتنناها سلیمان» و سائل ج ۱۴ ص ۱۰۶.

۵۴ - و سائل، احادیث ۲۵۷۴۴ - ۲۵۷۷۶.

۵۵ - و سائل، احادیث ۲۵۷۸۴ - ۲۵۷۹۶.

۵۶ - و سائل، احادیث ۲۵۸۰۴ - ۲۵۸۱۰.

۵۷ - و سائل، ۲۵۶۸۵ - ۲۵۷۳۶.

۵۸ - و سائل، ۲۵۷۳۷ - ۲۵۷۳۹.

مطالبی روشن تر و صریحتر از آنچه گفته شد در کتب احادیث دیده میشود.^{۵۹}

اینها نمونه‌ئی از متون صریح قرآن و حدیث درباره نحوه تلقی اسلام از غریزه جنسی است. ما از این متون استنباط میکنیم که غریزه جنسی از نظر اسلام یک احتیاج طبیعی و ضروری انسانی است که با کمال صراحت باید بآن اعتراف کرد و بآن پاسخ مثبت داد. احتیاجی است که پیغمبران و امامان و همسران آنها داشته‌اند و پیغمبر اسلام تصریح میکند که: من زنان را دوست دارم و همسران متعدد میگیرد و از طریق مشروع نیاز طبیعی خود را تأمین میکند، هر چند ریاکاران و منافقان را ناخوش آید. غریزه جنسی احتیاجی است که مانند گرسنگی و تشنگی دامنگیر انسانست و بدون ابهام و نفاق باید پسر و دختر جوان را از آن آگاه کرد تا چشم و گوش بسته وارد حجله نشوند و حقایق بصورت تلخ و ناگوارش بر آنها جلوه نکند. اسلام می‌خواهد دختر و پسر با کمال سادگی به تقاضای یکدیگر پاسخ گویند.

بعقیده ما اینکه پیغمبر (ص) میفرماید: «رختخواب پسر و دختر خود را از سن ده سالگی جدا کنید»^{۶۰} و یا اینکه موسی بن جعفر (ع) میفرماید: «دختر چون به شش سالگی رسید، پسر نامحرمی او را نبوسد و بغل نکند»^{۶۱} برای اینستکه

۵۹- بعنوان نمونه باین دو حدیث توجه فرمائید: ۱- عن ابی عبدالله (ع) قال: انی النبی (ص) رجل. فقال: یا رسول الله انی احمِل اعظم ما یحمل الرجال، فهل یصلح لی ان آتی بعض مالی من البهائم: ناقة او حمارة؟ فان النساء لایقون علی ما عندی، فقال رسول الله (ص) ان الله تبارک و تعالی لم یخلقک حتی خلق لک ما یحتملک من شکلک، فانصرف الرجل فلم یلبث ان عاد الی رسول الله (ص) فقال له مثل مقالته فی اول مرة. فقال له رسول الله (ص) این انت من السوداء العننطة. قال: فانصرف الرجل فلم یلبث ان عاد فقال یا رسول الله اشهد انک رسول الله حقا قد طلبت من امرتی به فوقت علی شکلی مما یحتملنی وقد اقتصنی ذلک، و سائل، ج ۱۴ ص ۳۸. ۲- عن علی بن جعفر، قال: سألت ابا الحسن موسی (ع) عن الرجل یقبل قبل امراته. قال: لا بأس. - از خوانندگان گرامی که نگارنده را به غلو در اظهار مسائل جنسی متهم میکنند تقاضا می‌شود کاتولیک‌تر از پاپ نباشند و بدانند این مطالب از پیغمبر و جانشینانش نقل میشود -

۶۰- والصبی والصبیبة... یفرق بینهم فی المضاجع لعشر سنین. و سائل ج ۱۴ ص ۱۷۱.

۶۱- اذا بلغت الجارية ست سنین فلا یقبلها الغلام. و سائل ج ۱۴ ص ۱۷۰.

پسر و دختر به تدریج به واقعیت غریزه جنسی پی ببرند و راه سوآلی برای آنها باز شود که ما تا دیروز در یک رختخواب میخوابیدیم ، امروز چرا باید جدا باشیم ؟ و پدر و مادر و معلم عاقل ایشان، در برابر این سوآل باید در سطح فهم و استعدادشان، حقایق را گوشزد کنند. پسر را از احتلام و دختر را از حیض آگاه سازند و حقایق زندگی زناشویی و موجبات بارداری و وضع حمل و مسائل دیگر را با او بیاموزند تا گول پسران شهوتران را نخورد و فرزندان نامشروع و بی شناسنامه تحویل جامعه ندهد و خود را بیوه و منفرد و بدبخت نسازد .

اسلام تمام این مسائل را با عبادات و نمازهای یومیه مربوط کرده و یاد گرفتن آنها را پیش از بلوغ واجب دانسته و برای تعلیمش به اولیاء اطفال سفارش و تأکید فرموده است ؛ اما این آموزش و شناسائی مرز وحدی دقیق و باریک دارد که در دو فصل بعد بیان میشود .

عواقب و خیم گنهان غریزه :

در این فصل مطالبی که **راسل** تحت عنوان «تبوی معرفت جنسی» ذکر نموده ، قرین افاده و تحقیق است ، و بیشتر آنها علمی است مطابق دین و استدلالی است برای مطالب ساده ای که در فصل پیش از آیات و روایات بیان کردیم ، ولی او در آخر فصل درباره نشر مطالب قبیحه عقیدهئی اظهار میکند که علاوه بر آنکه مخالف دین و علم است - چنانکه در فصل بعد توضیح میدهم - خودش هم میگوید: «میتراسم نتوانم موافقت خواننده را بسهولت جلب کنم» از این جمله پیداست که عقیده خود را مخالف اخلاق مرسوم و سنت اجتماعی میدانند . راسل در آغاز این فصل چنین گوید^{۶۲} : «در اقدام به بنانهادن يك اخلاق جدید جنسی، نخستین

۶۲- در نقل گفتار راسل از ترجمه منتظم یونسی که اولی از فرانسه و دومی از انگلیسی بفارسی ترجمه شده است تلفیقی کرده ایم و عبارت روشن تر و مختصر تر را انتخاب نموده ایم، و مطالب غیر لازم را حذف و با چند نقطه (...) نشان داده ایم این فصل در ترجمه منتظم از ص ۱۰۵ و در ترجمه یونسی از ص ۹۲ شروع می شود .

سؤالی که باید از خود بکنیم این نیست که مناسبات بین دو جنس را چگونه باید تعدیل نمود بلکه اینست: آیا خوبست که مردان و زنان و کودکان را بطور تصنعی از حقایق مربوط به امور جنسی بی‌خبر نگهداشت؟ غرض از طرح این سؤال اینست که: خواننده را به این حقیقت دلالت کنم که بی‌خبری از این مسائل فوق‌العاده بحال شخص مضر است، و لذا هر سیستمی که مستلزم چنین جهالتی باشد، نمی‌تواند مطلوب باشد. بنظر من اخلاق جنسی باید چنان باشد که مورد قبول اشخاص مطلع و چیز فهم قرار گیرد؛ نه اینکه برای قابلیت قبول خود، بر جهالت مردم تکیه کند... هیچ مشی و رفتار درست و مناسبی را جز در موارد بسیار معدود، نمی‌توان با استفاده از جهل و بی‌خبری پیش برد و یا به‌مدد دانش از پیشرفت آن ممانعت کرد.

... بنظر من بدترین نتیجه این طرز برخورد (کتمان حقایق جنسی) کشتن حس کنجکاو علمی در جوانانست. کودک زیرک می‌خواهد همه چیز را در دنیا بداند و سؤالاتی راجع به قطار و اتومبیل و هواپیما میکند، و از علت پدید آمدن باران و زائیده شدن اطفال می‌پرسد. تمام این کنجکاوها از لحاظ اهمیت در نظر کودک در یک سطح قرار دارند. وقتی که کودک در صدد کسب دانش بر می‌آید و با اظهار تنفر مواجه می‌شود، حس کنجکاو او از بین می‌رود، چون در بدو امر نمیداند کدام کنجکاو مجاز است و کدامیک غیر مجاز. اگر سؤال درباره پدید آمدن کودک قبیح باشد، شاید پرسش درباره چگونگی ساختن هواپیما هم قبیح باشد. و بالاخره کودک به این نتیجه می‌رسد که کنجکاو علمی چیز مضر و خطرناکی است و باید آنرا از بین برد. با خود می‌گوید: آدم پیش از آنکه در صدد دانستن چیزی بر آید، باید بداند که آن چیز پسندیده است یا نه، و چون معمولاً کنجکاو جنسی تا از بین نرفته بسیار قوی است، کودک باین نتیجه می‌رسد که اطلاعات مورد نظر او در نظر بزرگتران مذموم است، در حالیکه اطلاعات پسندیده از قبیل جدول ضرب از نوعی است که هیچ کودکی بفرافتنش رغبتی ندارد. بدین ترتیب کنجکاو علمی که انگیزه طبیعی هر کودک سالمی است، از بین می‌رود و می‌میرد، و کودک

خِرف میگردد. من تصور نمیکنم این امر که زنان بطور کلی خِرف‌تر^{۶۳} از مردان هستند، جاك شك و انكار باشد، و بنظر من علتش اینستکه: اینان را در کودکی بیش از پسران از کنجکاوای در امور جنسی باز میدارند».

جمله معترضه:

آنچه راسل در این مورد راجع به خرف و حماقت زنان میگوید، از نظر يك خداشناس و مسلمان که طرز تاقی و بینش خود را در مسائل جامعه‌شناسی از قرآن مجید اخذ کرده، چنین تحایل و تفسیر میشود:

قرآن میفرماید: **وَمَا الَّذِي أُعْطِيَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى** یعنی پروردگار ما آفرینش مناسب هر موجودی را باو عنایت کرده و سپس او را در مسیر زندگی رهبری فرموده است. بعبارت دیگر ابزار و آلاتی که هر موجودی در مسیر زندگی مخصوص خویش، لازم دارد باو عطا کرده است. زن یکی از موجودات شریف جهان هستی است که مسیر زندگی پذیرش و پرورش نسل است؛ و در این مسیر به رحیم و زهدان و تخمک و پستان برای پذیرش و شیردادن کودک احتیاج دارد. و دیگر از ابزار کارش صورتی زیبا و لطیف و خالی از موهای درشت و خشن است. آفرین بر مهندس ماهر و نقاش چیره دستی که تمام اعضاء و جوارح زن را مانند مردمیسازد، ولی باین مواضع که میرسد، نوك قلم خویش را لطیف و حساس میکند، زیرا میداند این نقشه به زیبایی و ظرافت احتیاج دارد، و سنجیده و حساب کرده چنین میکند - نمیدانم آن مادی و ماحدی که از لفظ خدا و پروردگار استیحاş میکند، فکرش آن توانائی و رسائی را دارد که لااقل بگوید: طبیعتی که چنین ریزه کاری و ظرافت بکار میبرد، با اراده و باشعور است و من در برابر چنین طبیعتی سر بسجده می‌گذارم -

در هر حال از نظر مسلمان، زن در مسیر زندگی چنانکه به تخمک و زهدان و چهره لطیف و پستان احتیاج دارد، بهوش و ذکاوتی که مناسب جذب مرد و پرورش کودک باشد نیز محتاج است، و پروردگاری که ابزار نخستین را باو عنایت کند از دومینش محروم نسازد و چون مردان را برای دادوستد و مبارزه زندگی آفرید،

۶۳- در اینجا یونسی «خرف‌تر» و منتظم «احمق‌تر» ترجمه کرده است.

بازوانی قوی و مویهائی درشت و خشن و آلات و ابزارهای مناسب وقاع و القاء بایشان عنایت فرمود، و در جنبه روحی و معنوی هوش و ذکاوتی درخور مبارزه زندگی بآنها عطا کرد. پس اگر زنان در مبارزه زندگی کم استعدادترند، مردان هم در طنازی و دلربائی و پرورش کودک چنینند، و اگر در آنطرف موارد استثنائی دیده میشود، در این جانب هم دیده خواهد شد.

راسل علت حماقت زنان را - که از نظر مسلمانان نادرست بود - بازداشتن بیشتری از کنجکاوی در امور جنسی بیان کرده است در اینجا باید بگوئیم: از نظر اسلام کلمه **بازداشتن** مورد ندارد، بلکه از دختران **تحفظ و مراقبت** بیشتری باید نمود، چنانکه مردم جهان با عتراف راسل سنت و روش خود را با دستور اسلام تطبیق داده اند، و یا بگوئید اسلام سنت و روش اجتماعی آنها را امضا کرده است. در هر حال علت شدت مراقبت از دختران اینست که مردان در امر جنسی وظیفهائی آمیخته با تمتع و لذت القا میکنند، سپس برمیخیزند و کناره میگیرند، ولی دختران باید عواقب تلخ آن نزدیکی چند لحظه را با سقط جنین و یا تحمل رنجهای دشوار حمل و وضع و رضاع بدوش گیرند، پس در این مورد هم اسلام و اجتماع از فطرت و طبیعت زن پیروی کرده و قدم خود را جای قدم او گذاشته است. اگر بخواهیم گفتار راسل را با آبِ حسن ظن بشوئیم و حمل بر صحت کنیم، باید بگوئیم: راسل از جنس مردانست و احساسات و عواطف این جنس بر مغز او غلبه دارد و ناخودآگاه تأثیر خود را در قلمش باقی میگذارد. اخلاق زناشویی که راسل درباره آن کتاب مینویسد، متکی به دو رکن **زن و مرد** است و احساسات هر دو جنس باید در آن مراعات شود، او در هیچ مورد از کتابش چنین اعترافی نمیکند و کتابهای زنان نویسنده را از این نظر نخوانده است. یکی دیگر از اشتباهات او که از عدم توجه با احساسات زنان ناشی شده، نام گذاری مهریه را به **خریداری زن** است که در فصل «مهریه» از قول خانم دکتر قدسیه حجازی باو پاسخ میدهیم.

بازگشت به فصل سابق:

دیگر از گفته های علمی و منطقی راسل اینست: علاوه بر این صدماتی که به ذهن

و فکر کودک وارد میشود، در اغلب موارد متضمن زیانهای اخلاقی نیز هست ... کودک معمولاً افسانه‌هایی را که دربارهٔ لک‌ک و گل‌کام^{۶۴} میشنود، باور نمیکند، و نتیجه میگیرد که پدر و مادر به او دروغ میگویند، و وقتی در یک مورد دروغ بگویند، با احتمال زیاد، در سایر موارد هم خواهند گفت. و این ترتیب نفوذ اخلاقی و معنوی والدین از بین میرود. بهمین دلیل اطفال بین خود از این مسائل گفتگو میکنند و دچار استمناء میشوند و راه دروغ و نیرنگ و کتمان را فرامیگیرند و بعلمت ترسی که در این زمینه والدین بذهنشان القا کرده‌اند، ابر ترس برزندگی آنها پال میگسترده... و بالاخره چند نفرشان دیوانه میشوند و با اختلالاتی شبیه جنون پیدا میکنند. مسأله در پرده نگه داشتن و صورت زاردادن به امور جنسی، نتیجه‌اش افزایش کنجکاوی جوانان است. اگر بزرگتران با مسائل جنسی مانند هر مسأله دیگری برخورد میکردند و به کلیه سؤالاتی که کودک در این زمینه میکرد، جواب میدادند، و در حدود فهم و دانش او اطلاعات درستی در اختیارش میگذاشتند، کودک تصور زشتی و قباحیت اینگونه مسائل نمیکرد... کنجکاوی جنسی مانند هر کنجکاوی دیگر چنانچه ارضا شود، از بین میرود؛ لذا برای اینکه مسأله جنسی به اسباب اشتغال خاطر کودکان مبدل نشود، بهترین راه اینست که اطلاعاتی را که میخواهند در اختیارشان قرار دهیم.

جنبه دیگری از این مسأله هست که برکسانی که میخواهند امور جنسی را از آلودگی که اخلاقیون مسیحی بر آن زده‌اند پاک سازند، ناشناخته مانده است. مسأله جنسی در طبیعت با قضای حاجت (ادرار و مدفوع) بستگی دارد و مادام که قضای حاجت با تنفر و انزجار تلقی میشود، این تنفر به امور جنسی هم بسط و انتقال می‌یابد. بنابراین در این باره نسبت بکودکان سختگیری زیاد نباید کرد. بدیهی است بعضی مواظبت‌ها صرفاً از لحاظ بهداشت است و گرنه جنبه نفرت‌آوری

۶۴- در خانواده انگلیسی هرگاه نوزادی بدنیا آید، کودکان بزرگتر از پدر و مادر خود می‌پرسند:

این بچه از کجا آمده؟ والدین جواب میدهند: او را لک‌ک آورده و ما میگویند از زیر بوته گل کلم

درآمده است.

ندارد. پس چون کودک بمرحلهٔ درك و فهم رسيد بايد براي او توضيح داد كه آن غمض كلام صرفاً علل بهداشتی داشته است.^{۶۵}

مرز آموزش جنسی:

در فصل اسبق تحت عنوان «تلقى اسلام از غریزهٔ جنسی» گفتیم: غریزهٔ جنسی واقعیت موجود و ثابتی است که اسلام با کمال صراحت بآن اعتراف دارد. و در فصل سابق عواقب وخیم کتمان آنرا بر شمردیم، ولی برخی از نویسندگان غربی مانند راسل، اعتراف بواقعیت را با تهیج و تحریک غریزهٔ جنسی اشتباه کرده و نشر مطالب قبیحه و لخت شدن پدر و مادر در برابر فرزندان بزرگسال، بلکه برهنگی عمومی را تجویز کرده و از جمله اعتراف بواقعیت شمرده‌اند، و شاید بلك نداشته باشند از اینکه آموزش عملی عمل جنسی را تجویز کنند و برای این کار آموزگارانی مجرب و کارآموده انتخاب نمایند تا نتایجی مانند شولنگی هنود که در فصل آخر میگوئیم پیدا شود. اکنون جز اینکه بگویم: «این نویسندگان از هول حایم میان دیگ افتاده‌اند» جملهٔ مؤدب‌تری بخاطر من نمیرسد.

واقع گویی غریزهٔ جنسی بقول شاعر عارف ما «هزار نکتهٔ باریکتر ز مو» دارد که رعایت آنها برای خالق مویر گهای انسان و عواطف و احساسات معنوی او ممکن و برای بشر غیر مقدور است. پیدا است که هر واقع و حقیقتی گفتنی نیست، مگر زمانیکه برای گوینده یا شنونده احتیاجی پیش آرد و چون زمان احتیاج فرارسد، تعلیم و آموزش باید بمقدار نیاز و در حد توسط و اعتدال باشد. تا نه از راه قصور اخلاقی به تفهیم رساند و نه از طریق افراط، زبانی از ناحیه دیگر وارد آرد.

آری کودک می‌خواهد هر عالمی را بداند و هر فنی را یادگیرد، ولی از شما خوانندهٔ گرامی می‌پرسم: پدر و مادر عاقل جریان برق را در سیم مخصوص و رانندگی اتومبیل را بکودک خود چگونه می‌آموزند؟ بگمان من پاسخش اینستکه: سیم برق را باید مطلقاً از دسترس کودک ۳ ساله دور کرد و آنرا در دل دیوار پنهان

ساخت و در پنج سالگی با و بگوئیم: به این سیم دست مزنی که میمیری، دلیلش را هم نپرس که در خور فهم تو نیست و چون به دبیرستان رفت دبیرش سیم منفی و مثبت و جریان برق و اشیاء هادی الکتریسیته و کنتاک و فیوز را برایش شرح دهد. همچنین تعلیم رانندگی تا پیش از ۱۸ سالگی با احتیاط و کتمان و سکوت و ابهام توأم است. اکنون میگوئیم: تعلیم مطالب جنسی همچنین است و عواقب و خیمش بسی سنگین تر از این. کودکی که عمل جنسی را بیاموزد و معنی زناشوئی و تشکیل خانواده و بکارت و حمل و پرورش ۱۸ سال کودک را نفهمد - چنانکه بعضی از والدین و این نویسندگان فاضل غربی هم نفهمیده اند - هرگاه بتواند با خواهران و دختران همسایه خویش انجام میدهد و دوتن و بلکه دو خانواده را گرفتار عواقب و خیمش میکند، پس باید تفهیم عمل جنسی مقارن تفهیم عواقب و آثارش باشد. سپس تعلیم الکتریکی و رانندگی به مرحله اظهار کامل و پرده برداشتن از تمام رموز و اسرارش میرسد، و در این مرحله از تعلیم جنسی جدا میشود. اسلام تا اندازه ای که میدانیم تستر و عفاف را برای این دو جنس مخصوصاً برای زن لازم دانسته و در تعلیم مسائل جنسی حیا و ادب و نزاکت را با مفاهیم واقعی آنها مراعات کرده است.

برای این مقدار از پرده پوشی و تستری که اسلام لازم دانسته، سه دلیل متقن و قوی بنظر میرسد که شاید بخاطر همین دلایل است که جهان بشریت هم تاکنون هیچگاه راضی نشده است، عربان و برهنه خارج شود، و مانند مرغ و خروس، کنار خیابان و در برابر انظار عمل جنسی کند - باستثنای جمعیت قلیلی که بحساب نیایند - هر چندگاه و بیگاه زمزمه آزادی کامل جنسی، از گوشه و کنار جهان برخاسته و سفسطه ها و مغالطاتی بصورت استدلال حتی از - باصطلاح - دانشمندان و روشن فکرانی در هوا طنین انداخته و رخسار سفید کاغذی را سیاه کرده است، مانند گفتار افلاطون^{۶۶} و مانی^{۶۷} و برخی از معاصرین^{۶۸}. و آن سه

۶۶- افلاطون در کتاب جمهوریت خویش برای مدینه فاضله ای که در خیال خود پرورانیده است، پاسبانان آن مدینه و مملکت را از افرادی انتخاب میکند که پدر و مادر معلومی نداشته باشند، بلکه نه و

دلیل اینست :

۱ - غریزه جنسی بمنزله باروت و ماده منفجره ایست که خداوند رحمان برای بقاء نسل بشر در نهاد وی گذارده است . و دیدن جنس مخالف و مناظر شهوت انگیز ، بمنزله کبریتی است که باین باروت میرسد و انفجار حاصل میکند . اگر انفجار در مسیر صحیح خود رهبری شود ، کوه میشکافد و جاده میسازد و سنگهای بزرگ را از وسط راه بر میدارد ، و اگر منحرف شود ، در بیابان تباه گردد و در شهر ساختمانها را با ساکنانش روی خاک غلطاند . رهبر گرامی اسلام را دیدیم که چون چشمش به یکی از این مناظر افتاد ، غریزه خود را در کنار زوجه خویش رهبری فرمود و با کمال صدق و صفا ، حقیقت را برای اصحابش تشریح کرد^{۶۹} - نه تنها مسلمین بلکه جهان بشریت باید از این واقع گویی و صراحت لهجه تمجید و تقدیس کنند - ولی انفجاری که برای جوان مجرد و یا متأهل دوازده همسر رخ دهد ، جز پناه بردن به انحراف جنسی چاره دیگری ندارد .

۲ - طرفداران آزادی کامل جنسی میگویند : اگر بشر جنس مخالف خود را برهنه ببیند و در عمل مانند حیوانات آزاد باشد ، بتدریج حساسیت و هیجانش میمیرد و انفجار و تلاطمی پیدا نمیکند .

میگوییم : صحیح است ، ولی چنین عملی به اعتراف خود شما ، کشتن موجود زنده ایست که حیاتش برای بقاء بشر لازمست . غریزه جنسی باید حدود چهل سال در وجود انسان زنده و متحرک باشد تا بدان وسیله رنجها و آلام زندگی جبران

→ ماده ای مانند حیوانات جفت گیری کرده و نوزاد آنها پس از تولد به دولت سپرده شود ، از این رویه حتی راسل هم در ص ۱۸۸ کتاب زناشویی انتقاد می کند .

۶۷- درباره عقاید مانی به کتب: مانی و دین او، ملل و نحل، ایران در زمان ساسانیان ص ۲۰۳ ، تاریخ اجتماعی ایران ص ۴۷۷ مراجعه شود و نیز آقای دکتر محسن شفائی در کتاب متعه خویش، دوازده دلیل طرفداران آزادی جنسی را نقل و ابطال میکند ص ۲۹۳ .

۶۸- راسل مسأله برهنگی را در ص ۱۱۳ ، زناشویی و اخلاق تأیید میکند .

۶۹- به پاورقی شماره ۴۷ رجوع شود .

شود. اگر بشر در برابر جنس مخالف خود، عادی و بی تفاوت باشد، عمل جنسی او هم چون مس میّت و تزریق آمپولست. این روش بتدریج بکمبودنسل گراید، چنانچه اکنون در آمریکا و اروپای غربی بچشم میخورد.^{۷۰}

بعلاوه استفاده از وسائیل جلوگیری از بارداری که در ملل راقیه شیوع یافته^{۷۱} و امیداست در فصل نفوس درمقالی دیگر از آن بحث کنیم، بکاهش نسل می افزاید.

خالق حکیم و دوراندیش انسان، مقدار باروتی را که در نهاد دختر و پسر گذاشته با میزان دقیق سنجیده، و زمان انفجار را که در دختر، قریب شش سال پیش از پسر است، بحساب آورده و تعداد آن را که ماده ای را که صورتگری میکند، با مقدار احتیاج رعایت کرده و زمان بازنشستگی زن و مرد را از توالد و تناسل، ملاحظه کرده، سپس برای سعادت انسان برنامه تستر و عفاف و حیا و آدابی مقرر داشته، تا در مدت اشتغال به تولید، ساعتی در سوز و گداز و ساعتی معانق و همراز باشد. زمانی تشنه و نالان فراق و زمانی خرم و خندان وصال گردد، و دوران زناشویی را با نشاط و طراوت و صفا و لذت سپری کند.

گر غم نبود چهره دنیا صفا نداشت شادی نبود وین همه شور و نوا نداشت
نقش امید دیده جان را نمی فریفت گر یأس و غم بخاطر آشفته جا نداشت
گر شب نبود و تیرگی رازپوش او هرگز سپیده این همه برق و جلانداشت
شاید تعجب کنید اگر بگویم برتر اندر اسل هم به این مطالب اعتراف میکند، اگر چه هنگام توضیح نشر مطالب قبیحه و برهنه شدن زن و مرد، از این گفتارش فراموش کرده است.

او در این باره میگوید: «عقیده به ارزش عظیم بانوی مورد نظر، از لحاظ روانشناسی معلول صعب الحصول بودن اوست. و من خیال میکنم بتوان گفت: اگر مردی در تحصیل عشق زنی، با دشواری مواجه نگردد، احساسش نسبت به او

۷۰- زناشویی و اخلاق ص ۲۲۴، درباره امریکا میگوید: وجود مهاجرتها موجب شده است که

علی رغم پائین بودن نرخ زاد و ولد به سرعت مطلوب افزایش یابد.

۷۱- مأخذ سابق ص ۲۳۵.

صورت و شکل رمانتیک^{۷۲} بخود نمیگیرد»^{۷۳}.

وباز میگوید: «از لحاظ هنر شك نیست قابل حصول یا سهل الحصول بودن زن مایه تأسف است. بهتر است صعب الحصول باشد، اما غیر ممکن الحصول نباشد»^{۷۴}.

وباز میگوید: «خستگی جنسی پدیده ایست زائیده تمدن و در میان جماعات غیر متمدن شناخته نیست - سپس درباره فواحش گوید - بدیهی است در انجام این عمل صرفاً از غریزه خود تبعیت نمی کنند، و همین امر نقشی را که تعشق در میانه داشته و حفاظی در مقابل خستگی جنسی بوده، از اهمیت انداخته است. در نتیجه، چون مردها مقید به اصول اخلاقی محکمی نیستند احتمال دارد، در این عمل افراط کنند و این افراط سرانجام به دلزدگی و نفرت از عمل جنسی منتهی گردد که خود مقدمه ریاضت کشی است»^{۷۵}.

۳- زن و شوهر اگر تمام احساسات و عواطف خود را بهمسر خویش اختصاص دهند، و به زن و مرد دیگری متمایل نباشند و دل نداده باشند، زندگی آنها قرین سعادت و کامیابی خواهد بود. شوهر زن را فرشته روی زمین داند و زن شوهرش را یگانه امید زندگی و درغم و شادی زندگی از همه میبرد و به یکدیگر میپیوندند- راجع به تعدد زوجات که از موارد استثنائی این قاعده است در آینده بحث خواهیم کرد - مردیکه در برابر مناظر شهوت انگیز قرار گیرد، اگر از سلامت و تعادل قوای جسمی برخوردار است، تهییج و تحریک میشود، و زمانی کوتاه یا دراز، فکرش مشغول و ناراحت است، و مطالعه و کاری که در دست دارد، گسیخته و نابسامان میشود. و در کارهای حساس مانند رانندگی و الکتریکی خسارات و تلفات سنگین تولید میکند؛ مگر آنکه از لحاظ اخلاقی مهذب و شایسته

۷۲- رمانتیک بمعنی افسانه‌ای و مقصود از آن عشقی است شدید و جوشان نظیر عشقی که در

افسانه‌های لیلی و مجنون و بیژن و منیژه می‌خوانیم.

۷۳- زناشویی و اخلاق ص ۷۶.

۷۴- مأخذ سابق ص ۷۲.

۷۵- مأخذ سابق، ص ۴۱.

باشد و هیجان خود را در کنار همسر مشروع خویش تسکین دهد.^{۷۶} باز هم لبه تیز این استدلال روی اشتغال خاطر و کاهش احساسات و عواطف زناشوئی است که در هر حال مدتی کوتاه یا دراز حاصل آید.

راسل در این باره میگوید: «اکنون اگر به اطراف خود نظر افکنیم و از خویشتن پرسیم که روبهرفته چه شرایطی منجر به سعادت زناشوئی میگردد، به نتیجه غریبی میرسیم؛ مشعر بر اینکه هر قدر مردم متمدن تر شوند، احتمال اینکه با داشتن یک همسر در زندگی سعادت مند باشند کمتر است. کسانی که با احوال ایرلند شمالی آشنا هستند میگویند: زنان روستائی این ناحیه (هر چند تا این اواخر انتخاب زن با والدین پسر بود) بطور کلی در زندگی زناشوئی خود عقیف و سعادت مندند.^{۷۷}

و باز میگوید: «یکی از چیزهای دیگری که به سعادت زناشوئی کمک میکند کمبود زنان بی صاحب و عدم فرصتهای اجتماعی و تفریحی است که طی آن مردان متأهل فرصت آشنائی و آمیزش با زنان را پیدا میکنند. چون اگر مرد نتواند با زن دیگری آمیزش کند، ناچار با وضع موجود میسازد^{۷۸}، و جز در موارد غیر عادی آن را تحمل پذیر مییابد. این قاعده در مورد زنان نیز صدق میکند؛ خاصه اگر فکر نکنند و متوقع نباشند که زندگی زناشوئی باید سعادت زیادی با خود به همراه آورد».

و باز میگوید: «آزادی زنان زناشوئی را از جهات مختلفی دشوارتر از سابق ساخته است، در زمان قدیم زن میبایست با شوهرش بسازد، اما شوهر اجباری نداشت که خود را با زنش وفق دهد. امروزه بسیاری از زنان به اتکای استقلالی که پیدا کرده اند مایل نیستند خارج از حدود معینی، وضع خود را با شوهرانشان وفق دهند. باز مانع دیگری در ازدواجهای امروزی نقل میکند و در آخر میگوید: «بنابر این عال و جهات که بسیاری از آنها با چیزهای خوب زندگی پیوند دارد،

۷۶- چنانکه در پاورقی ۴۶ توضیح دادیم.

۷۷- زناشوئی و اخلاق، ص ۱۳۲.

۷۸- واز ناچاری خود احساس ناراحتی نمیکند، زیرا بهتر از همسر خود را ندیده و فکرش به او

زناشوئی صورت مشکلی بخود گرفته است»^{۷۹}.

شتاب در ازدواج - بارها گفته ایم: آفریننده انسان که صورتگر جوارح و غرائز او بوده است، به احتیاجات طبیعی و نیازهای مادی و معنویش آگاهست و از هر کسی آگاه تر. و چون میداند غریزه دختر و پسر در چه سالی بیدار میشود و هیجان میکند، دستور ازدواج این دو جنس را برای نخستین روزهای هیجان صادر میکند، با ملاحظه و جوب و استحباب و جواز - اگر ابتدای ازدواج قانونی را برای دختر در نه سالگی تعیین کرده، برای اینست که میداند پیش از آن هیچ دختری لایق زناشوئی نیست، و در این سن هم رشد عقلانی را تا حدیکه سفیه و ابله نباشد، اضافه میکند. سپس بجواز ازدواج دستور میدهد نه و جوب. از مجموع این حدود و شرایط استفاده میشود که اسلام میخواهد بگوید: اگر در کشوری بمقتضای آب و هوا یا سایر جهات بعضی از دختران در نه سالگی رشد و قابلیت پیدا کنند، ازدواج آنها از نظر مقررات دینی از لحاظ سن مانعی ندارد و اسلام راضی نیست در امر ازدواج ایشان وقفه و تأخیری افتد و مقرراتش از تطابق با فطرت منحرف شود، چنانکه قوانین کشوری هرگاه ابتدای سن ازدواج را مثلاً شانزده سالگی دختر تعیین کند، دختران کوچکتری را که رشد ازدواج دارند، بحکم دادگاه به شانزده ساله ماحق میکند و اجازه ازدواج میدهد. اکنون به چند دستور اسلامی راجع به ترغیب و تشویق به ازدواج توجه فرمائید:

۱ - پیغمبر (ص) فرمود: در اسلام ساختمانی که نزد خدا محبوبتر از ازدواج باشد پی ریزی نشده است^{۸۰} (پس بهتر از ساختن مسجد و مدرسه ساختن ساکنین آنهاست).

۲ - و باز فرمود: هر که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است^{۸۱} (چون جوان مجرد، غالباً در اثر هیجان شهوت نیمی از دین خود را از دست میدهد).

۷۹- زناشوئی و اخلاق ص ۱۳۵.

۸۰- ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزیج. وسائل ج ۱۴ ص ۳.

۸۱- من تزوج احرز نصف دینه. ماخذ سابق، ص ۵.

۳ - امام صادق (ع) فرمود: پدرم از مردی که نزد او آمده بود پرسید: همسر داری؟ گفت: نه. پدرم گفت: من دوست ندارم که تمام دنیا از من باشد و شبی بی همسر بخوابم. سپس اضافه کرد: دورکت نمازی که مرد با همسر بخواند، از نماز تمام شب و روزه تمام روز مرد بی همسر بهتر است. سپس هفت دینار باو بداد و فرمود: برو همسر بگیر، که پیغمبر (ص) فرمود: همسر بگیرد تا روزی شما زیاد شود^{۸۲} (چون تلاش بیشتری خواهید کرد).

۴ - و باز فرمود: از جمله سعادهای مرد اینست که: دخترش در خانه او عادت نشود^{۸۳} (یعنی پیش از عادت بخانه شوهر رود).

۵ - حضرت علی (ع) فرمود: مهریه زن را زیاد نکنید که موجب دشمنی میشود^{۸۴}.

و نیز حدیث پاورقی شماره ۳۴ و ۲ حدیث شماره ۴۹ پاورقی مناسب این موضوع است.

چیزی که در این مورد نظر ما را جاب کرد، اینست که اسلام راجع به شتاب در ازدواج دختران و سبک گرفتن مهر و تشریفات دیگر، به اولیاء ایشان سفارش اکید و بلیغ میکند، و اسی برای ازدواج پسران چنین سفارشاتى به اولیاء ایشان ندارد، حتی در میان ۸۳ حدیث کتاب و سائل که برای تهیه این مقاله با آنان مراجعه شد، یک مورد هم بنظر نرسید. علت این موضوع، سه امر دقیق بنظر میرسد که ارتباط و تعادل مقررات اسلامی را بیشتر تشبیت میکند:

۱ - پسران در امر ازدواج خویش استقلال دارند، ولی دختران بهتر یا

۸۲- جاء رجل الى ابي عبد الله (ع) فقال له: هل لك من زوجة؟ قال: لا. فقال ابي: ما احب ان لي الدنيا وما فيها واني بت ليلة وليست لي زوجة ثم قال: الركتان يصلهما متزوج، افضل من رجل يقوم ليلة ويصوم نهاره. ثم اعطاه ابي سبعة دانير، ثم قال: تزوج بعهده. ثم قال ابي: قال رسول الله (ص): اتخلوا الاهل، فانه ارزق لكم. فروع کافی ج ۲ ص ۵، وسائل ج ۱۴ ص ۷.

۸۳- من سعادة المرأة ان لا تطمئن ابنته في بيته. وسائل ج ۱۴ ص ۳۹.

۸۴- لاتغالوا بمهور النساء فتكون عداوة، مكارم الاخلاق ص ۱۲۳، وسائل ج ۱۵ ص ۱۱.

لازمست موافقت ولی خود را جلب کنند .

۲ - هیجان و شورشی که در نهاد پسر است ، او را به اختیار همسر مجبور میکند ، ولی دختران یا چنان هیجانی ندارند و یا اگر دارند، نوعاً حیا و حجبشان بیشتر از پسرانست و خویشتن داری و تحمل بیشتری دارند .

۳ - پسر اگر ازدواج نکند و به انحراف جنسی کشیده شود ، فساد و زیان اجتماعی بسیار کمی را در پی دارد ، در حالی که دختر اگر ازدواج نکند ، یا سقط جنین میکند و یا فرزند نامشروع تحویل میدهد .

غریزه جنسی و مکاتب بشری :

چنانکه گفتیم غریزه جنسی واقعیتی است غیر قابل انکار و در مرحله اوج و شدت خود ، غیر قابل تحمل میباشد ؛ مگر برای سلفاطائیان و پیروان کلیسا ، آنهم در مرحله خیال ؛ از اینرو بشر متمدن و غیر متمدن همواره ازدواج را بصورتی متفاوت و با شرایط و مقرراتی خاص عمل میکرده است . ما میگوئیم ازدواج تنها اگر طبق مقررات اسلام باشد ، با نیازهای طبیعی و خواسته های فطری طرفین تطبیق میکند و مکاتب دیگر بشری ، بهر صورت و شکلی از دائره این مقررات خارج شود ، بهمان نسبت از واقعیت خود منحرف شده است ؛ زیرا واضع و جاعل مقررات اسلامی ، همان واضع و جاعل وجود انسان و غرائز و کیفیات وجودی اوست و تطبیق و توفیق نیازهای درونی انسان با وضع مقررات مناسب از عهده بشر خارج است . اینست دلیل **لَهُمَّ** ما برای کسانی که میتوانند وجود خدا و عدالت و حکمت او را باور کنند ، و اما دلیل **أَنَّى** برای دیگران تنها با تطبیق و مقایسه قوانین اسلامی و غیر اسلامی ممکن شود . که اینک توضیح دهیم . روشهای زناشویی غیر اسلامی بقرار زیر است :

۱ - **زواج اشتراکی** ، و آن چنانست که یک زن را چند مرد در یک خانواده بعقد ازدواج خود در آورند . اولاد حاصله از این ازدواج بقول **استرابون** بنام زن نامیده میشود ، ولی با توجه به سفرنامه هائی که بعضی از جهانگردان از حدود **تبت** و **هیمالیا**

وسیلان ذکر نموده‌اند، چنین استفاده میشود که اگر ازدواج میان چند برادر باشد، اولاد متعلق به برادر بزرگتر و پس از فوت او به برادر بعد متعلق میشود.^{۸۵}

۲- **ازدواج میراثی**، در این ازدواج، زن مانند سایر اموال متوفی، بوارث ذکور میرسد، و زن بدون اختیار و رضایت بخانه مردی بیگانه مانند پسرعموی میت میآید. این ازدواج در زمان جاهلیت مرسوم بود و قرآن از آن نهی فرمود: «ای اهل ایمان! برای شما روا نیست که زنان را با کراه به ارث ببرید»^{۸۶}.

۳- **زواج تواییدی**، بمعنی زواج بخاطر پدید آمدن فرزند ذکور است، این گونه ازدواج در رم و یونان و ایران قدیم اهمیت داشته و با رنگ مذهبی که بخود گرفته بود، سلاطین برای داشتن ولیعهد بان توجه مخصوص داشتند، در قانون **همورابی** تصریح شده است که اگر زن اولاد ذکور نیاورد، شوهر میتواند او را طلاق دهد و در قانون هند این حکم بمدت ۸ سال مقید شده است.^{۸۷}

۴- **زواج آزمایشی**، در این ازدواج دختر باید بمدت ۱۵ روز بخانه شوهر رود و با اوزندگی کند، پس از این مدت اگر مورد رضایت شوهر واقع نشد، دختر بیچاره با سرمایه ازدست رفته بخانه پدر خویش بر میگردد.^{۸۸}

۵- **زواج اختلاطی**، قبیله سونتال در هندوستان شش روز معین از سال، آزادانه و لجام گسیخته بدون شرم و حیا، جماعتی از زن و مرد بایکدیگر آمیزش میکنند و برای این نوع آمیزش ثواب قائل هستند.^{۸۹}

۶- **ازدواج تعویضی و یا قرضی**، در شمال آمریکا و شبه جزیره کروئلند مرسوم بود که شخصی زن خود را برای یک شب و یا مدتی معین بدوست خود به قرض میداد و آنرا نهایت جوانمردی میدانست.^{۹۰}

۸۵- متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن ص ۲۵۳.

۸۶- یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرهًا، نساء ۱۹.

۸۷- متعه و آثار حقوقی... ص ۲۵۴.

۸۸- ماخذ سابق، ص ۲۵۵.

۸۹- ماخذ سابق، ص ۲۵۶.

۹۰- ماخذ سابق، ص ۲۵۷.

۷ - **زواج بغلبه** ، آنستکه هر مرد قوی و زورمند میتواند زن دیگری را از چنگش برباید . این نوع زواج نزد سرخ پوستان آمریکا معمول بوده است . در این قبائل زنان زیبا نصیب مردان زورمند و دلیر بود .

۸ - **زواج ثیب** - و آن چنانست که دختر باید قبل از شب اول عروسی، بکارت خود را ازدست بدهد، که هنوز در میان قبائل وحشی مرسوم است. در بتخانه های هند از سنگ مرمر چیزی شبیه آلت رجولیت ساخته شده و شولنگی نام دارد . دختران بوسیله آن بکارت خود را زائل میکنند و باین بهانه دختران در آنجا مرتکب فحشاء میشوند^{۹۱} .

۹ - **زواج روزانه** ، اینستکه شوهر فقط در روز شوهر شناخته شود. در این نوع ازدواج ، زن طبق قرارداد، نصف یا ثلث یا دوثلث از عمر خود را آزاد میباشد و بقیه را در حباله زوجیت است^{۹۲} .

۱۰ - **زواج بی زوال** ، ازدواج مسیحیان و پیروان کلیساست که بعنوان شعیره مذهبی و پیوند الهی نامیده میشود و بهیچ وجه قابل فسخ و طلاق نمیشود که انشاء الله در فصل «طلاق» از آن پاسخ میدهم .

در اینجا باید بگوئیم که پایه و اساس ازدواجهای ده گانه بر تبعیت و عدم استقلال زن در امر ازدواج نهاده شده؛ در صورتیکه کلمه **ازدواج** بمعنی جفت شدن دو جنس با یکدیگر است ، نه تابع شدن و پیوستن جنسی بجنس دیگر که با الحاق و انضمام مناسب است . ازدواج اسلامی چنانکه از مقرراتش پیداست ، برای هر یک از زن و مرد ، استقلال و اصالت قائل است ؛ از اینرو رضایت زن و شوهر واجب و قبول شوهر را از ارکان اساسی ازدواج قرارداده و برای هر یک وظایف و تکالیفی جداگانه و مناسب معین کرده است . از نظر اسلام ازدواج بمنظور تولید و بقای نسل است . نسلی که طهارت و اصالت انتسابش ثابت باشد و فرزند با نسبت

۹۱ - متعه و آثار حقوقی ص ۲۵۷ .

۹۲ - مأخذ سابق، ص ۲۵۷ .

متساوی به پدر و مادر معلوم متعلق گردد ، اما واضعین ازدواجهای ده‌گانه زمام ازدواج را تنها بدست مرد سپرده وزن را عضوی طفیلی و بی‌اختیار و آلت اطفاء شهوت مرد دانسته‌اند .

دنباله‌دارد

